

الزّامات و مبانى اقتصاد اسلامى در قرآن كريم

تأليف:

دكتور عليرضا جعفرزاده كوچكى

استاديار گروه فقه و حقوق دانشگاه پيامنور، ايران

فهرست مطالب

سخن ناشران.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱
فصل اول: مفهوم‌شناسی.....	۱۵
۱. تعریف اقتصاد.....	۱۵
۱-۱. تعریف نظام اقتصاد اسلامی.....	۱۶
۲-۱. اهمیت و ضرورت اقتصاد در اسلام.....	۱۸
۲. اقتصاد اسلامی تنها راه مقابله با تحریم‌ها و مفسد اقتصادی.....	۲۱
۱-۲. تحریم‌های اقتصادی.....	۲۱
۲-۲. مفسد اقتصادی.....	۲۲
۳. جهاد اقتصادی در منابع دینی.....	۲۵
۱-۳. جهاد مالی لازمه جهاد اقتصادی.....	۲۵
۲-۳. راهکارهای قرآن برای پیشرفت اقتصادی.....	۲۹
۳-۳. سیره پیشوایان معصوم در انجام فعالیت‌های اقتصادی.....	۳۳
۱-۳-۳. کار و تلاش در سیره پیامبر اکرم (ﷺ).....	۳۶
۲-۳-۳. دیدگاه امام علی (علیه السلام) درباره فعالیت‌های اقتصادی.....	۳۹
۳-۳-۳. دیدگاه امام صادق (علیه السلام) درباره فعالیت‌های اقتصادی.....	۴۱

فصل دوم: الزامات و مبانی اقتصاد اسلامی	۴۹
۱. فراهم‌سازی بسترهای اقتصادی	۴۹
۱-۱. خدمات‌محوری	۴۹
۲-۱. عدالت‌محوری	۵۷
۱-۲-۱. عدل الهی	۵۸
۲-۲-۱. عدالت فردی	۵۹
۳-۲-۱. عدالت اجتماعی	۶۰
۴-۲-۱. عدالت اقتصادی	۶۲
۳-۱. مشارکت مردمی	۶۸
۴-۱. خودکفایی و استقلال اقتصادی	۷۱
۵-۱. توجه به صنایع دانش‌بنیان	۷۶
۶-۱. حفظ اتحاد و انسجام ملی	۷۸
۲. اهتمام به تولید	۸۰
۱-۲. سفارش به تولید در روایات	۸۶
۲-۲. تولیدات حلال و تولیدات حرام	۸۷
۱-۲-۲. تولیدات واجب	۸۷
۲-۲-۲. تولیدات حرام	۸۸
۳-۲. رابطه افزایش ایمان با افزایش تولید	۸۹
۴-۲. حمایت از تولید داخلی	۹۲
۵-۲. دسته‌بندی کالاها به کالاهای ضروری و لوکس	۹۴
۶-۲. تشویق به مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی	۹۶
۷-۲. توجه به مشاغل خانگی برای پیشرفت تولید	۹۸
۸-۲. مصرف بهینه منابع	۹۸
۳. مدیریت مصرف	۱۰۱
۱-۳. مصرف در کفاف، میزان صحیح مصرف	۱۰۲
۱-۱-۳. کفاف در لغت	۱۰۲
۲-۱-۳. دلیل عقلی	۱۰۳
۳-۱-۳. دلیل نقلی	۱۰۳
۲-۳. پرهیز از اسراف	۱۰۷

فصل سوم: عوامل موفقیت در اقتصاد اسلامی.....	۱۱۵
۱. عوامل معنوی پیشرفت اقتصادی.....	۱۱۵
۱-۱. تقوای پیشگی.....	۱۱۶
۲-۱. استغفار.....	۱۲۰
۳-۱. گناه و ناسپاسی، مانع معنوی پیشرفت اقتصادی.....	۱۲۲
۴-۱. ادای نماز.....	۱۲۴
۲. عوامل مادی پیشرفت اقتصادی.....	۱۲۴
۱-۲. امنیت.....	۱۲۴
۱-۱-۲. امنیت اقتصادی.....	۱۲۹
۲-۱-۲. امنیت اجتماعی.....	۱۳۳
۳-۱-۲. امنیت اخلاقی.....	۱۳۵
۲-۲. التزام به شرایط مدیریت.....	۱۳۷
۱-۲-۲. ویژگی‌های مدیر کارآمد.....	۱۴۰
۳-۲. شایسته‌سالاری.....	۱۵۱
۴-۲. مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی و بی‌عدالتی.....	۱۵۴
۵-۲. افزایش بهره‌وری.....	۱۵۶
۱-۵-۲. شکر و انفاق، دو عامل معنوی افزایش بهره‌وری.....	۱۵۹
۲-۵-۲. انفاق و تشویق به آن در قرآن و روایات.....	۱۶۲
۳-۵-۲. انفاق، مهم‌ترین راه‌حل فاصله طبقاتی.....	۱۶۵
۶-۲. پرداختن به امور زیربنایی.....	۱۶۷
۷-۲. توجه عملی به جای تکیه بر شعارها و کار تبلیغی صرف.....	۱۶۷
جمع‌بندی و پیشنهادات.....	۱۷۱
پیشنهادهای.....	۱۷۲
منابع و مأخذ.....	۱۷۵
نمایه.....	۱۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم
«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ».
(قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۶۴)

سخن ناشران

حمد و ثنا، خداوند بزرگ و ذات احدیت را که برای عالمان و دانشمندان، جایگاه و درجه‌ای در نزدیکی جایگاه پر عظمت خویش قرار داده است. هم او که در این آیه شریفه بر مؤمنین منت نهاد؛ آنگاه که از خودشان رسولی برانگیخت تا آیات وحی بخواند و آنان را بشارت و بیم دهد. و به راستی که مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت نزد خداوند چنان رفیع است که ذات احدیت به واسطه اعطای آن به آدمی، بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم در عصری که هنوز برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی‌دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می‌تازند و با اراده استوار خویش، اندیشه‌ها را به تکاپو و قلم‌ها را به حرکت وا می‌دارند (آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه‌دار علم و دانش، بتواند برای دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه‌هایش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد؛ چرا که علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است

که باید گام نهادن در مسیر آن را لطف الهی دانست. پردیس خواهران دانشگاه امام صادق (ع)، این افتخار را داشته که با فعالیت‌های راهبردی و بلندمدت، فعالیت‌های میان‌مدت و فعالیت‌های کوتاه‌مدت، در مسیر علم و معرفت گام بردارد و هم‌اینک افق بلندی را در چشم‌انداز علمی خویش پیش رو دارد. از جمله فعالیت‌های این مرکز که با هدف دستیابی به رویکردهای تعیین شده دانشگاه در بخش‌های علمی، آموزشی و پژوهشی انجام شده، می‌توان به انجام طرح‌ها و پژوهش‌های مختلف و انتشار آن‌ها در قالب کتاب اشاره کرد.

این در حالی است که معاونت پژوهشی، از زمان تشکیل تاکنون سعی کرده در همه برنامه‌ها و فعالیت‌های خود، الگوی اسلامی - ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی را به کار برده و با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی، در راستای محقق ساختن پژوهش‌های علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام بردارد. همچنین این مرکز تلاش می‌کند با انجام مطالعات و پروژه‌های علمی به ویژه در بخش زنان، مطابق با ساختار علمی دانشگاه به‌عنوان سازمانی دانش‌بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار، به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران و نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و فعالان برخی محیط‌های علمی در بهره‌برداری از کتب چاپ شده قرار گرفته که به همین مناسبت از همه کسانی که ما را در این مسیر همراهی کرده، تشکر و قدردانی می‌کنیم و از همه محققان و فرهیختگان گرامی برای همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت به عمل می‌آوریم.

معاونت پژوهشی دانشگاه

اداره کل پژوهش

حوزه معاونت پژوهشی و فناوری

پردیس خواهران

پیشگفتار

عدالت اجتماعی، اشتغال کامل، رشد و توسعه پایدار اقتصادی، ثبات نسبی قیمت‌ها، ریشه‌کن کردن فقر و توزیع عادلانه درآمد و ثروت، از جمله مسائلی است که امروزه نظام‌های اقتصادی با آن‌ها مواجه‌اند. نظام اقتصاد اسلامی، نشئت گرفته از قرآن و سنت است و محدود به بیان و تحلیل رفتارهای اقتصادی - اجتماعی نیست؛ بلکه جریانی فعال و پویاست که به‌طور مستمر این رفتارها را تصحیح می‌کند. اخلاقیات اسلامی، سرچشمه تغذیه معنوی این نظام است و همواره در تعیین و دستیابی به اهداف آن نقش بسزایی دارد. در اسلام، معیارهای اخلاقی بر فعالیت‌های اقتصادی انسان و جامعه تأثیر مستقیم دارد و افزون بر تعیین چارچوب و دامنه عمل فعالیت‌های اقتصادی، به نوعی آن را کنترل و نظارت می‌کند.

نظر اسلام نسبت به تحول‌های اقتصادی، تا حد زیادی حاکی از اراده و اختیار انسان است. از طرف دیگر جامعه نیز خود موجودی پویا و دارای حرکت است که به سوی قوانین ازلی و ثابت طبیعت حرکت می‌کند. این دو مکمل یکدیگرند؛ حتی اگر در ظاهر متناقض باشند.

در نظام اقتصادی اسلام، قدرت اجرایی تنها از دولت یا افراد تشکیل نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی گوناگون از جمله دولت اسلامی، تعاونی‌ها و بخش خصوصی نیز در این امر دخیل است. در واقع

این وظیفه دولت است که با تعاونی‌ها، فقر را ریشه‌کن کند، بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی را براندازد و به اشتغال کامل، حد مطلوب رشد، امنیت، تأمین اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد برسد.

اسلام همواره بر تعاون، اخوت و پی‌گیری منافع اقتصادی جامعه در راه رسیدن به رفاه اجتماعی تأکید کرده است. انگیزه نشئت گرفته از ارزش‌های اسلامی، خود با هرگونه انگیزه‌ای که موجب استثمار، اتلاف و استضعاف شود، مخالف است.

اقتصاد اسلامی می‌تواند گفتمان غالبی باشد که در جامعه امروز مطرح است. در عصری که بحران‌های اقتصادی، بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا را در سراسیمه‌ی سقوط قرار داده و اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌داری لیبرال نیز نتوانسته پاسخگوی نیازهای اساسی مردم باشد و از طرفی تولید کالاها به شکلی بیمارگونه به سمت مصرف‌گرایی محض رفته و زمینه اتلاف سرمایه‌های بشری را فراهم کرده است، این اقتصاد اسلامی است که به عنوان یکی از ضروریات جامعه اسلامی می‌تواند باعث استفاده بهینه از منابع محدود کشور شود.

اساساً در هر کشوری که بسترهای قانونی، فرهنگی، امنیتی و ... مهیاتر باشد، امکان بهبود فعالیت‌های اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود. به بیان دیگر، آماده‌سازی بسترهای اقتصادی به عنوان پایه و زیربنای تحقق اقتصاد سالم در یک کشور به حساب می‌آید. بنابراین بر اساس آیین مقدس اسلام و آیات و روایات متعددی که در دست است، می‌توان به طرح برخی از مبانی اعتقادی، فرهنگی و ... در راستای مهیاسازی بسترهای اقتصادی پرداخت.

کتاب حاضر با الهام از آموزه‌های نورانی قرآن کریم در راستای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب در حوزه «حماسه اقتصادی» تدوین شده است. امید واثق دارم که مورد استفاده مدیران ارشد اقتصادی و عموم مردم جامعه قرار گیرد. این را نه از سر فخر فروشی، بلکه به دلیل وضعیت نابسامان مدیریت اقتصادی کشور می‌گویم. قطعاً راهی وجود دارد که بتوان با آن از

واقعیات تلخ و ناخوشایند تحریم‌ها عبور کرد.
در پایان، بنده وظیفه خود می‌دانم از زحمات سرکار خانم «مهری قبادی»
که در تنظیم این اثر همت گماشته، سپاسگزاری کنم. همچنین از تمامی
کسانی که در چاپ و نشر این اثر مساعدت داشته‌اند، تشکر و قدردانی کرده
و توفیق همگان را از خداوند منان خواستارم.

و ما توفیقی الا بالله الحمید
علیرضا جعفرزاده کوچکی

فصل اول: مفهوم‌شناسی

۱. تعریف اقتصاد

اقتصاد در لغت از ریشه قصد و به معنای مستقیم کردن و استوار داشتن راه است. همچنین به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز به کار می‌رود.

علم اقتصاد عبارت از بررسی روش‌هایی است که در آن‌ها می‌توان با پول، برای به کار بردن منابع کمیاب به منظور تولید کالاها و خدمات در طول زمان و همچنین برای توزیع آن‌ها بین افراد و گروه‌ها در جامعه به منظور مصرف در زمان حال و آینده برنامه‌ریزی کرد.^۱

به عبارت دیگر، علم اقتصاد دانشی است که رفتارهای بشری را در زمینه تولید، توزیع و مصرف، تجزیه و تحلیل می‌کند تا قدرت پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی را به دست آورد. این علم در اصطلاح، علم بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهایی است که با آن‌ها می‌توان با صرف کمترین هزینه، بیشترین بازده در تولید، توزیع و مصرف را به دست آورد.^۲

بنابراین، «اقتصاد» علمی است که به مطالعه رفتار و رابطه انسان با اشیای مادی مورد نیازش که آن‌ها را به رایگان در طبیعت پیدا نمی‌کند، می‌پردازد.

۱. جاسی، اقتصاد، ص ۴.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۱۴-۱۰.

۱-۱. تعریف نظام اقتصاد اسلامی

نظام اقتصاد اسلامی، عبارت است از مجموعه قواعد کلی ارائه شده در اسلام در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی که در راستای تأمین عدالت اجتماعی برای رسیدن به سعادت بشر و جامعه فاضله‌ای که تمامی پیامبران و ائمه الهی برای آن تلاش کرده‌اند،^۱ به خدمت گرفته می‌شود.

مسئله اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشری مطرح است و اسلام نیز به آن نگرش خاص و ویژه‌ای دارد. معمولاً از عبارت «اقتصاد اسلامی» در زمینه‌های مختلفی استفاده می‌شود که «علم اقتصاد اسلامی»، «مکتب اقتصاد اسلامی»، «نظام اقتصاد اسلامی» یا «دانش اقتصاد اسلامی» از آن جمله‌اند.

درباره «علم اقتصاد اسلامی» باید به نکات ظریفی توجه داشت؛ مقدمات و نکاتی که بدون توجه به آنها نمی‌توان منظور معتبری از این اصطلاح را ارائه کرد. در بیان متعارف، هنگامی که از علم سخن به میان می‌آید، مجموعه معارفی مد نظر است که با تأکید ویژه بر روش تجربی پس از عصر روشنگری در اروپا شکل گرفت و رفته رفته توسعه یافت. علم اقتصاد یا همان اقتصاد سیاسی نیز از چنین قاعده‌ای مستثنی نیست. باید توجه داشت که در رابطه بین اقتصاد اسلامی یا هر انگاره دینی دیگر با علم تجربی — قیاسی چون اقتصاد، باید به این سؤال پاسخ داد که آیا در این علم، ابعاد ارزشی و اخلاقی وجود دارد یا خیر؟ اگر یک محقق اقتصاد یا فیلسوف علم اقتصاد بر این باور باشد که در مجموعه ادبیات علم اقتصاد یا اقتصاد سیاسی می‌توان ردپای چنین اموری را یافت، می‌تواند به وجود اقتصاد اسلامی معتقد باشد. از طرف دیگر اگر فردی بر این باور باشد که در علم اقتصاد یا اقتصاد سیاسی، هیچ مؤلفه ارزشی وجود ندارد، مفهوم «علم اقتصاد اسلامی»

۱. صدر. سید محمد باقر، اقتصادنا، ص ۳۳۰ تا ۳۳۴.

از نظر وی بی‌معناست. بر اساس همین تفکیک پیش گفته است که انواع اظهارنظرها درباره «علم اقتصاد اسلامی» وجود دارد. در این میان برخی میان «مکتب اقتصاد اسلامی» و «نظام اقتصاد اسلامی» تفکیک قائل می‌شوند. از نظر این افراد، «نظام اقتصادی اسلامی» پیاده شده قواعد و راهکارهای مورد توجه «مکتب اقتصادی اسلام» در واقعیت موجود است.

اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی، نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می‌داند؛ درحالی‌که در اسلام، منابع و امکانات، نامحدود معرفی شده‌اند: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا^۱؛ و اگر بخواهید نعمت‌های خداوند را در شمار بیاورید، نمی‌توانید نعمت‌های خداوند را به حد و حصری محدود کنید».

اسلام، مسئله اقتصاد را (بر اساس اصالت انسان) به‌عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می‌تواند قسمتی از حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و رفع مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می‌داند (اقتصاد در مکتب اسلام^۲).

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ^۳؛ و اگر مردم ایمان آورده و پرهیزگار بودند، ما درهای برکات زمین و آسمان را بر آنها گشوده بودیم».

اسلام، اقتصاد را راهی برای رسیدن به اهداف عالیه بشر می‌داند و به همین دلیل نگرش سوسیالیستی یا سرمایه‌داری که اقتصاد را مبنا قرار داده، رد می‌کند.

۱. ابراهیم/۳۴.

۲. صدر، امام موسی، اقتصاد در مکتب اسلام، مقدمه و پاورقی: علی حجتی کرمانی، مقدمه، ص ۱۳.

۳. اعراف/۹۶.

۱-۲. اهمیت و ضرورت اقتصاد در اسلام

اهمیت و ضرورت اقتصاد، زمانی روشن می‌شود که ارزش و اهمیت اقتصاد در جامعه روشن شود. مهم‌ترین عاملی که جامعه انسانی را پایدار می‌کند، اقتصاد جامعه است که خداوند آن را مایه قوام جامعه قرار داده است.

نقش ثروت در زندگی فردی و اجتماعی، همچون نقش آب در زندگی جانداران است؛ یعنی همچنانکه زندگی جانداران بدون آب ممکن نیست و حیات همه موجودات زنده به آن بسته است، در زندگی فردی و اجتماعی نیز حیات افراد به مال و ثروت بستگی دارد و بدون آن، ادامه حیات ممکن نیست. همچنین چنانچه جریان یافتن خون در بدن، موجب حیات همه بافت‌های بدن شده و جسم انسان را شاداب نگه می‌دارد، جریان داشتن پول، ثروت و مواهب طبیعی در رگ‌های اجتماع هم موجب زنده ماندن همه طبقات اجتماع و شاداب ماندن جامعه انسانی می‌شود. به همین جهت خداوند در قرآن کریم، ثروت را عامل پایایی و قیام فرد و جامعه می‌داند.^۱

در واقع یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم سکان هدایت جامعه را به دست می‌گیرد، اقتصاد آن کشور است و هرگونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می‌تواند به رفاه حال عمومی، تعالی دیگر بخش‌های جامعه و در نهایت اعتلای نظام و کشور کمک کند.

در نظام اقتصاد اسلامی، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از جامعه و همچنین رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است.

از برخی آیات قرآن کریم، لزوم استقلال و شکوفایی اقتصاد را در می‌یابیم که آیه ۱۴۱ سوره نساء یکی از آنها است:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است».

۱. نساء/۴.

غالب فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده و مفاد آن را محکم دانسته‌اند. در واقع بر اساس این آیه، مسلمانان باید هر عملی را که منتهی به سلطه کفار می‌شود، نامشروع دانسته و تلاش خود را به کار ببندند تا از تسلط کفار بر خود جلوگیری کنند. اما متأسفانه در دوران حاضر، به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان و مهجور گذاشتن قرآن کریم، بیگانگان توانسته‌اند از نظر مسائل اقتصادی بر مسلمانان سلطه پیدا کنند. درحالی‌که مؤمنان وظیفه دارند خود را از وابستگی‌ها از جمله وابستگی‌های اقتصادی که منجر به تسلط بیگانگان می‌شود، رها سازند.

در آیه دیگری می‌خوانیم:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید»^۱.

از این آیه مشخص می‌شود که یکی از لوازم ایمان، بی‌نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمانان است؛ زیرا نیاز، همواره با ذلت و اسارت همراه است و امتی که بخواهد عزیز و سربلند باشد، باید خود را از یوغ کفار آزاد کند.

در آیه ۲۹ فتح نیز می‌خوانیم:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» محمد (ﷺ) فرستاده خداست و

کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان هستند. پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه آن‌ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنان در تورات و انجیل است. همانند

۱. آل عمران/ ۱۳۹.

زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شود و بر پای خود بایستد و به قدری رشد و نمو کرده که زارعان را به شگفتی و می‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است».

در این آیه مبارکه در توصیف امت اسلام با جمله «فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ» مواجه می‌شویم. مسلماً تا چنین هدفی در عملیات اقتصادی منظور نشود و مسلمانان خود را از دنباله‌روی کردن خلاص نکنند، نه تنها پیوسته در اقتصاد شکست می‌خورند، بلکه در اخلاق و فرهنگ که منشأ هرگونه شکست مادی و معنوی دیگر است هم شاهد سقوط قطعی خود خواهند بود. از این رو مسلمانان باید اقتصادی خودکفا و غیر متکی به غیر داشته باشند.^۱ در سوره انفال می‌خوانیم:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان] آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به‌طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد!»^۲.

کلمه «قوة» چه کلمه کوچک و پرمعنایی است؛ نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه شامل همه نیروها و قدرت‌های مادی و معنوی است که باعث پیروزی بر دشمن خواهد شد.^۳

۱. موسوی اصفهانی، پیام‌های اقتصادی قرآن، ص ۱۳۷.

۲. انفال/۶۰.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲.

به همین دلیل نباید از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... که در مفهوم «قوة» می‌گنجد و نقش مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد، غافل شد. بنابراین نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به خصوص در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از طرفین درگیر جنگ، در سرنوشت آن جنگ، تأثیر بسیار مهمی دارد. یکی از راه‌های به دست آوردن اقتدار و رشد و شکوفایی استقلال اقتصادی، مقاوم کردن و قوام‌بخشی به استقلال اقتصادی است. از همین جا ضرورت بحث اقتصاد اسلامی به خوبی روشن می‌شود.

۲. اقتصاد اسلامی تنها راه مقابله با تحریم‌ها و مفسد اقتصادی

۲-۱. تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی در طول قرن‌ها، همواره جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک بوده است. در واقع دولت‌ها از تحریم به عنوان یک استراتژی برای برپا کردن جنگ اقتصادی در جریان خصومت‌های عصر نوین، استفاده می‌کنند. این تحریم‌ها گاهی به صورت اقدامات اتخاذ شده قهری سیاست خارجی به جای جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و گاهی ابزار چندجانبه دیپلماسی بازدارنده است. استراتژی برای جرقه زدن تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور هدف یا حتی مقدمه‌ای بر جنگ، از دیگر اهداف سیاست‌های مبتنی بر تحریم است. در جهان، برتری تحریم اقتصادی پس از جنگ سرد، به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته و در شرایط گوناگون به کار گرفته می‌شود.^۱

جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی به دلیل اهداف و آرمان‌های الهی خود، مورد دشمنی کشورهای بزرگ قرار گرفت و از همان ابتدا بدخواهان انقلاب با تنظیم توطئه‌هایی مانند تحریم‌های اقتصادی، قطع روابط سیاسی با ایران، مسدود کردن اموال و دارایی‌های ایران در بانک‌های خارج از کشور و ...، تمام عزم شیطانی خود را جزم کردند تا مسیر انقلاب را به انحطاط

۱. زهرانی، نظریه‌های تحریم اقتصادی، ص ۱۷.

بکشانند. اما برخلاف خواست آن‌ها، این انقلاب پس از گذشت ۳۷ سال با قدرت هر چه تمام‌تر به پیش می‌رود. از این رو برای عبور از این موانع، راهی به جز یک انقلاب اقتصادی و فرهنگی در کشور نیست. ایجاد یک انقلاب اقتصادی که هم موانع را خنثی کند و هم شکوفایی مادی و معنوی ایران را رقم بزند، نیاز به یک حماسه اقتصادی دارد.^۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حماسه اقتصادی را، راه‌حلی برای اقتصاد امروز کشور اسلامی می‌داند که این مسئله می‌تواند سرآغاز این انقلاب اقتصادی و فرهنگی در کشور باشد.

۲-۲. مفاسد اقتصادی

فساد اقتصادی، پدیده‌ای شوم است که از دیر زمان در تمام حکومت‌ها وجود دارد و از جمله آسیب‌های اجتماعی است که از آن زمان، اذهان جوامع بشری را به خود مشغول داشته است.

فساد به رشوه، تقلب، پرداخت‌های غیر قانونی، خرید آرا، سوءاستفاده از قدرت، عهدشکنی، اختلاس و ... اطلاق می‌شود.

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی که از اهداف مهم و اساسی آن، ریشه‌کن کردن فساد در تمامی ابعاد نظام‌های اجتماعی بود، مقابله با فساد اقتصادی به صورت جدی در قوانین و رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تبلور یافت. به‌عنوان نمونه رهبر معظم انقلاب در فرازی از صحبت‌های خود در مورد پیامدهای فساد اقتصادی می‌فرماید:

«امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟».

فساد یعنی اینکه کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق به جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پر کنند.

۱. اسحاقی، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص ۳۶.

این کار چند ضرر دارد:

اول اینکه خزانة این کشور که باید صرف مردم شود، صرف ساختن پل، راه، سد، آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود، به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود. وقتی شما می‌بینید یک نفر در طول مدت ۳، ۴ سال، ده‌ها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود نگه می‌دارد، معنایش چیست؟ معنایش این است که آن پولی که با آن می‌شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه فقر را نچشند، یک نفر با زرنگی، با زبان چرب و نرم و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پول را به چنگ آورده است. بنابراین اولین ضرر این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع، حریص، خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود.

ضرر دوم این است که کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور به فعالیت اقتصادی بپردازند، وقتی می‌بینند از راه‌های نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آن‌ها هم تشویق می‌شوند با کار نامشروع به ثروت دست پیدا کنند.

ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، مجبور است به مدیران و مسئولان رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. بعضی افراد مقاومت می‌کنند و بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند.

ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترفیها ففسقوا فیها».^۱

ضرر پنجم هم این است که وقتی مدیران و مردم فاسد شوند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل خواهند شد. دشمن خارجی برای اهداف سیاسی خود در کشور، به خوبی از ظرفیت آدم‌های فاسد استفاده می‌کند.^۲

۱. أسراء/ ۱۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مردم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

همان‌طور که در بیانات معظم‌له ملاحظه می‌شود، فساد اقتصادی عارضه‌ای چند بعدی است که پیامدهای آن به لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بسیار سنگین و گاه غیر قابل جبران است. فساد، ناکارایی و اتلاف، توان دولت‌ها را در استفاده کارا از منابع محدود، به تحلیل می‌برد. به گفته رئیس کمیته احتساب عمومی در مجلس ملی پاکستان، قسمت اعظم بودجه توسعه، حیف و میل می‌شود. ساختمان‌های معیوبی که چند سال پس از احداث، فرو می‌ریزند، جاده‌هایی که با کمترین باد و باران، از بین می‌روند، ماشین‌آلات وارداتی راه‌آهن که بدون استفاده به قراضه تبدیل می‌شوند، وارداتی که پیش از رسیدن به خاک پاکستان در راه فروخته می‌شود و وام‌های کلانی که از سوی بانک ملی به افراد بانفوذ داده شده، اما از دفاتر حذف می‌شود،^۱ از جمله مواردی است که او به آن‌ها استناد می‌کند. از این رو مبارزه با این پدیده‌ها، یکی از مصادیق بارز اقامه قسط به حساب می‌آید.

پویایی اقتصادی و ارتقای بهره‌وری، تنها در شرایط مناسب اقتصادی و حذف ویژه‌خواری‌ها و رانت‌خواری‌ها امکان‌پذیر خواهد بود. وجود این آفات در عرصه اقتصادی و سیاسی کشور، سبب می‌شود که تلاشگران عرصه‌های اقتصادی و صنعتی به جای «اهتمام» به فعالیت‌های صحیح اقتصادی، به فعالیت‌ها و روابط ناسالم که معمولاً درآمد بالاتری دارند، گرایش یابند.

این در حالی است که با اقتصاد اسلامی، تولید افزایش پیدا کرده، توزیع ثروت و برخورد‌های اجتماعی به عدالت نزدیک‌تر می‌شود، مدیریت بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی کلان به دست مردم سپرده شده و عملاً سوءاستفاده‌های اقتصادی مدیران دولتی و رانت‌خواری‌ها کاهش می‌یابد.

۱. چیرا، اسلام و توسعه اقتصادی، ص ۱۹۶.

در واقع اقتصاد اسلامی، فراخوانی همگانی برای مبارزه با ناهنجاری‌های اقتصادی است.

۳. جهاد اقتصادی در منابع دینی

اکنون که به اجمال، اهمیت و ضرورت اقتصاد اسلامی مشخص شد، جا دارد که اهمیت جهاد مالی نیز تبیین شود.

۳-۱. جهاد مالی لازمه جهاد اقتصادی

جهاد مالی به معنای استفاده از مال و ثروت در راه اعتلای فرد یا جامعه اسلامی با انگیزه الهی است که معمولاً همراه با نوعی مقابله با دشمنان بیرونی مانند مستکبران و طاغوتیان و دشمن درونی - نفس اماره - است. جهاد مالی به روش متفاوتی قابل انجام است که یکی از آن‌ها، جهاد اقتصادی است.

واژه جهاد مالی، بارها در قرآن کریم به کار رفته که در موارد متعددی همراه با جهاد جانی ذکر شده است. خداوند در قرآن کریم، مجاهدانی را که از مال و جان خود می‌گذرند، می‌ستاید و از آن‌ها به نیکی یاد می‌کند:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کرده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده‌اند، آنان یاران یکدیگرند.^۱»

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند، نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.^۲»

۱. انفال/۷۲.

۲. توبه/۲۰.

و حتی گاهی فراتر از تعظیم و تکریم مجاهدان، به همگان دستور می‌دهد به جهاد با مال و جان خود پردازند:

«انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ سبکبار و گرانبار، بسیج شوید و با مال و جان‌تان در راه خدا جهاد کنید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است.»^۱

گاهی نیز خداوند در قرآن کریم از کسانی که تن به خطر نداده و از سر عافیت‌طلبی در میدان‌های جهاد جانی و مالی شرکت نکرده‌اند، با تعبیر سرزنش‌آمیز «قاعدان» یاد می‌کند و به صراحت از برتری مجاهدان بر قاعدان سخن می‌گوید:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ؛ مؤمنان خانه‌نشین که زیان ندیده‌اند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند، یکسان نیستند. خداوند، کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند، به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده و همه را وعده [پاداش] نیکو داده، و [لی] مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است.»^۲

و نیز به قاعدان وعده آتش دوزخ نیز می‌دهد:

«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ آنان که در خانه نشسته و از همراهی با رسول خدا (ﷺ) سر باز زدند، خوشحالند. جهاد با مال و جان خویش را در راه خدا، ناخوش شمردند و گفتند: در هوای گرم به جنگ نروید. اگر می‌فهمند بگو: گرمای

۱. توبه/۴۱.

۲. نساء/۵۹.

آتش جهنم بیشتر است.^۱»

شان نزول این آیه در مورد جنگ تبوک و منافقانی است که به بهانه گرمی هوا از دستور پیامبر اکرم (ﷺ) سرپیچی کرده و در جهاد شرکت نکردند. این آیه، سه نشانه برای منافقان ذکر کرده است:

الف: از نرفتن به جبهه، نه تنها پشیمان نیستند، بلکه خوشحالند.

ب: جهاد با مال و جان برایشان سنگین است.

ج: دیگران را از شرکت در جهاد منع می‌کنند.

طبق آیات گذشته، منافقان مانع کمک مالی دیگران می‌شدند، مطابق این

آیه نیز از حضور در جبهه، سر باز زده و دیگران را هم دلسرد می‌کنند.^۲

خداوند در قرآن و در آنجا که جهاد مالی را هم‌ردیف جهاد جانی قرار داده، به اصل دیگری نیز اشاره دارد و آن اینکه چنین عملی از مؤمنی مجاهد سر می‌زند که خود را برای فداکاری و مردن در راه خدا آماده کرده است. معلوم است که در این میان، افرادی که پیوسته در صدد دست یافتن به زندگی پر نعمت و بهره‌مند شدن از لذت‌های فراوان زندگی هستند، از این جهاد بی‌بهره‌اند.^۳

و به تعبیر قرآن: «وَلْتَجِدْنَهُمْ أُخِرَصَ النَّاسَ عَلَى حَيَاةٍ؛ آنان را آزمندترین مردمان به زندگی (عاشق زندگی) می‌بینی.»^۴

در آیه دیگری، جهاد مالی از جمله ویژگی‌های پیامبر اکرم (ﷺ) معرفی

شده که مؤمنان راستین در این جهاد ایشان را همراهی می‌کنند:

«لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ولی پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند، با مال و جان خود در راه خدا جهاد کرده‌اند. نیکی‌ها از آن‌هاست و آن‌ها

۱. توبه/۸۱.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۱۶.

۳. حکیمی، الحیاء، ج ۶، ص ۱۲۴.

۴. بقره/۹۶.

هستند که رستگار می‌شوند.^۱

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در آیات ذکر شده، جهاد مالی قبل از جهاد جانی مطرح شده است. اگر چه این تقدم، نشانه برتری مطلق جهاد مالی به جهاد جانی نیست، اما به‌طور نسبی نوعی تقدم و برتری این نوع جهاد را گوشزد می‌کند. شاید بتوان دلیل این تقدم نسبی را در این نکته دانست که جهاد در صحنه‌های نظامی و درگیری‌های خونین، وابسته به انجام جهاد مالی است و جهاد نظامی بدون قدرت اقتصادی و پشتوانه مالی، شکننده و آسیب‌پذیر است. ملتی به اقتدار کامل دست خواهد یافت که در هر دو عرصه فداکاری جانی و مالی، با قدرت نظامی و اقتصادی پشتتاز و شکیب‌باشد.

تمجید قرآن از مجاهدت مالی، به آیاتی که کلمه جهاد مالی در آن‌ها به کار رفته، محدود نمی‌شود. در آیات دیگری نیز تلاش اقتصادی در کنار جهاد فی سبیل‌الله به کار رفته و ذکر این دو در ردیف هم، اهمیت جهاد و مقاومت اقتصادی را به مسلمانان گوشزد می‌کند. از جمله این آیات، آیه بیستم سوره مزمل است: «... وَ آخِرُونَ يَصْرُبُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می‌کنند [و] در پی روزی خدا هستند و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می‌کنند.

نکات یاد شده، برخی از مفسران را برآن داشته که جهاد اقتصادی را بخشی از جهاد با دشمن بدانند.

در آیه بالا چنانچه خواندیم، تلاش برای زندگی در کنار «جهاد فی سبیل‌الله» آمده و این نشان می‌دهد اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است؛ چرا که در غیر این صورت و در حالی که ملتی فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه باشد، هرگز به استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد رسید و به همین دلیل است که گفته می‌شود «جهاد اقتصادی» بخشی از «جهاد با

۱. توبه/۸۸.

دشمن» است.^۱

نتیجه آنکه در اهمیت جهاد و پیشرفت اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم می‌توان گفت در موارد بسیاری، جهاد و تلاش اقتصادی همراه جهاد جانی بدون پشتوانه مالی ناقص بوده و به اهداف مطلوب خود نمی‌رسد.

انجام جهاد و تلاش اقتصادی از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ﷺ) و مؤمنان است و مجاهدان اقتصادی بر قاعدان اقتصادی برتری و رجحان دارند؛ (فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ).

مجاهدان اقتصادی مقامی والا در نزد خداوند دارند؛ (أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ). جهاد و تلاش اقتصادی موجب خیر (لَهُمُ الْخَيْرَاتُ) و رستگاری (هُمْ الْفَائِزُونَ) و پاداش فراوان (أَجْرًا عَظِيمًا) برای مؤمنان است و مجاهدان اقتصادی، در ادعای ایمان و مجاهدت خود صادق و راستگو هستند (اولئك هم الصادقون).

البته ناگفته پیداست که جهاد اقتصادی در صورتی دارای ارزش‌های پیش گفته است که در راه خدا و با انگیزه الهی (فِي سَبِيلِ اللَّهِ) باشد. با توجه به اهمیت جهاد و تلاش اقتصادی است که قرآن مأموریت انسان را در بعد مادی زندگی، عمارت و آبادانی زمین و در بعد معنوی، عبادت و عبودیت دانسته و انسان را به انجام این مهم تشویق کرده است. در آیه ۶۱ سوره هود می‌خوانیم:

«وَالِیْ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ و بر قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم. گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید. شما را جز او خدایی نیست. اوست که شما را از زمین پدید آورده و آبادی آن را به شما وا گذاشته است.»

۳-۲. راهکارهای قرآن برای پیشرفت اقتصادی

قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

آیات فراوانی، شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی در عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع را بیان کرده است. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- استفاده از آب‌های گوناگون:^۱ باید به این نکته توجه کرد که باران از عوامل مهم تولید است،^۲ بنابراین باید مناطق پر باران را شناسایی کرد. قطره قطره باران روزی انسان است که خداوند بخشنده برای او می‌فرستد. به همین دلیل باید از هدر رفت آن جلوگیری کرده و از روش‌های جدید آبیاری برای بهره‌برداری بهینه استفاده کرد.

۲- بهره‌برداری از دانه‌های روغنی:^۳ یکی از دانه‌های روغنی، زیتون است که می‌توان روغن آن را هم در تهیه غذا به کار برد و هم از آن در ساخت انواع داروها استفاده کرد. درخت زیتون با اقسام مختلفش معمولاً در سرزمین ایران اسلامی می‌روید که با بهره‌برداری و تولید انبوه آن، می‌توان به رونق اقتصادی کشور کمک کرد. به همین دلیل باید برای کاشت و برداشت درخت زیتون برنامه‌ریزی جامع داشته باشیم و تولید آن را گسترش بدهیم تا از طریق همین دانه‌های روغنی، ارز به کشورمان وارد شود.

۳- بهره‌برداری از منابع دریایی:^۴ دریاها علاوه بر اینکه یکی از منابع غذایی غنی برای بسیاری از مردم جامعه به حساب می‌آیند، همچنین دارای منابع و معادن بی‌شماری نیز هستند. بنابراین نباید زباله‌های اتمی و صنعتی را در دل دریاها رها کنیم و باید به بهترین شکل مراقب آن‌ها باشیم. برای حفاظت از دریاها و منابع دریایی لازم است به برنامه‌ریزی‌های ملی و بین‌المللی رو بیاوریم.

۴- استفاده از داروهای طبیعی: امروزه دارو می‌تواند اقتصاد کشور را

۱. مؤمنون/ ۱۸؛ بقره/ ۲۲؛ انعام/ ۹۹؛ اعراف/ ۵۷؛ نوح/ ۱۲-۱۱.

۲. فاطر/ ۹؛ غافر/ ۱۳.

۳. مؤمنین/ ۲۰-۱۹.

۴. اسراء/ ۶۶؛ نحل/ ۱۴.

رونق ببخشد و به همین دلیل می‌توان از آن به‌عنوان اهرمی استراتژیک بهره برد. به‌عنوان مثال، عسل را که هم غذاست و هم دارو، می‌توان به شکل انبوه پرورش داد^۱ و با استفاده بهینه و روشمند و علمی از غذاهای سنتی به جای داروها، از مصرف بی‌رویه داروهای شیمیایی کاست.

۵- استفاده از چهارپایان: در اقتصاد بُحرانی، مهم‌ترین درآمد انسان می‌تواند از چهارپایان باشد؛ گوشت، شیر، قالی، پارچه و ...^۲ فواید چهارپایان است. هم‌اکنون می‌توان از دامداری برای رشد اقتصادی و خودکفایی در آن بهره برد. برای دستیابی به این هدف، باید پرورش و تولید دام را با استفاده از غذاهای مجاز دامی روش‌مند کرده و گسترش داد تا با افزوده شدن کمیت و کیفیت محصولات دامی، هم نیازهای داخلی تأمین شود و هم بتوانیم محصولات دامی خود را به کشورهای دیگر صادر کنیم.

۶- توجه به کشاورزی و زمین‌های زراعی: در جامعه‌هایی که صنعتی نیستند، تنها اتکای آن‌ها استفاده از زمین زراعتی است و جز این، راهی برای خودکفایی وجود ندارد. اما باید توجه داشت که از آن سو، توجه مطلق به صنعت، بدون عنایت به کشاورزی، اشتباه بزرگی است.^۳ به همین دلیل باید همه ویژگی‌های مناطق مختلف را شناسایی و از این ویژگی‌ها، استفاده کرد؛ چرا که خداوند بزرگ، زمین را رام و مسخّر انسان کرده است.^۴ امروزه بی‌استفاده گذاشتن زمین‌های مستعد، به نوعی هدر دادن سرمایه است، در حالی که می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح در هر منطقه، محصولات مناسب آن اقلیم را کاشت.

۷- استفاده بهینه از منابع موجود: سرانجام باید گفت خداوند در قرآن کریم از گستردگی منابع تولید سخن گفته^۵ و می‌فرماید آنچه مورد نیاز انسان

۱. نحل/۶۹.

۲. نحل/۶۶.

۳. الرحمن/۱۰.

۴. ملک/۱۵.

۵. ابراهیم/۳۴؛ اعراف/۱۰.

است، در زمین وجود دارد.^۱ پس باید با اعمال مدیریت صحیح و اصولی، از منابع موجود بهره برد و منابع شناخته نشده را شناسایی کرده و به کار گرفت. این مهم جز با بهره‌مندی از دانش کارشناسان رشته‌های زمین‌شناسی، معدن، کشاورزی، زیست‌شناسی و ... محقق نمی‌شود.

امام علی (علیه السلام) که خود در بیان و کردار، مفسر قرآن کریم است، در عهدنامه ماندگارش به مالک اشتر، یکی از مأموریت‌های مهم حاکمان را عمران و آبادانی زمین معرفی کرده است:

«... باید توجه تو به آباد کردن زمین، بیش از توجه به گرفتن خراج باشد؛ چرا که خراج جز در نتیجه آبادی فراهم نمی‌آید. هرکس بدون آباد کردن زمین، خواستار خراج شود، کشور را خراب و مردم را هلاک کرده است و کار او جز اندکی راست نخواهد شد.

پس اگر از زیادی مالیات (خراج)، رسیدن آفات آسمانی، قطع شدن آب، خراب شدن بذر در نتیجه غرق شدن زمین در زیر آب و نابود شدن ماده غذایی از زمین شکایت کنند، باید چنان بار مردم را سبک کنی که کارشان اصلاح شود. این کار نباید بر تو گران افتد؛ زیرا که این اقدام همچون ذخیره‌ای است که مردم آن را با آباد کردن و آراستن و پیراستن سرزمین‌ها باز می‌گردانند. علاوه بر این، سپاسگزار تو نیز خواهند شد و خود از اینکه با عدل و داد با مردمان رفتار کرده‌ای، شادمان خواهی بود و از اینکه برایشان راحتی فراهم کرده و عدل و مهربانی نسبت به آن‌ها روا داشته‌ای و اعتمادشان را جلب کرده‌ای، می‌توانی به حسن نیت و خدمت ایشان بیشتر متکی باشی. بسا که در آینده حادثه‌ای پیش آید که چون در آن به یاری ایشان چشم داشته باشی، با کمال صفای دل، آن را تحمل کنند و این همه برای عمران و آبادانی ضرورت دارد.

ویرانی زمین از فقر مردم آن نتیجه می‌شود و زمانی مردمان فقیر

می‌شوند که والیان در اندیشه جمع مال بوده و نسبت به پندها و عبرت‌ها بی‌توجه باشند.^۱»

۳-۳. سیره پیشوایان معصوم در انجام فعالیت‌های اقتصادی

کار، تلاش، عمران، آبادی و تولید، مفاهیمی است که انسان را به نشاط آورده و او را از رخوت و سستی دور می‌سازد و همچنین آینده‌ای زیباتر برای او رقم می‌زند.

زندگی انسان بر محور کار می‌گردد و از طرفی تمدن بشری به‌طور کامل، مستمر و طولانی در پی زندگی بشر بر کره زمین به وجود آمده است. ساختمان‌های بلند، سدهای عظیم، تونل‌های طولانی، هواپیماهای غول‌پیکر، کتابخانه‌های بزرگ، رصدخانه‌ها و همه آنچه در کره خاکی وجود دارد، حاصل عملکرد آدمی در زمین است.

این در حالی است که اثر کار فقط در ابعاد اقتصادی و تولید نیست؛ بلکه در نظام اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند. از همین رو در متون دینی به ابعاد گوناگون آن توجه ویژه‌ای شده و جایگاه آن روشن شده است.^۲ با توجه به فراخور موضوع در این بحث، بیشتر به جنبه اقتصادی آن پرداخته خواهد شد.

اقتصاد یک جامعه، رمز بقای آن جامعه است. همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، اقتصاد، متکی بر تصرف کردن طبیعت و هر چیزی است که در طبیعت وجود دارد و این نتیجه جز با کار به دست نمی‌آید. پس کار برای اقتصاد، همچون ستون برای خانه است؛ یعنی همان‌گونه که خانه بدون ستون پدید نمی‌آید، اقتصاد هم بدون کار معنایی ندارد. با این تعریف می‌توان گفت تفاوتی میان اقتصاد فردی و اجتماعی وجود ندارد و به همین دلیل بر آدمی واجب است که دارای پیشه و کاری باشد؛ به‌گونه‌ای که نیازمندی‌های

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

۲. رضایی، کار و دین، ص ۱۷.

خود و اجتماع را تأمین کرده و بر ثروت ملت خویش بیفزاید. در واقع به همین دلیل است که خداوند نیروی کار کردن به آدمی داده است. به تعبیر امام سجاد (علیه السلام):

«رَکَبَ فِینَا آلَاتُ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتَ الْقَبْضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَ أَثْبَتَ فِینَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ؛ در (پیکر) ما ابزاری برای گشادن و گرفتن قرار داد و ما را از نیروهای حیاتی بهره‌مند ساخت و به ما اندام‌هایی (دست و پا) برای کار کردن داد.^۱»

آری، خداوند طبع آدمیان را مشتاق کوشش و تلاش آفرید و به آن‌ها فکر هدایت‌گری بخشید که مشوق آن‌ها برای کار و عمل باشد. (الفکر مرآة صافیة: فکر آینه‌ای روشن است.) همچنین خداوند، زمین و آنچه در آن و بر آن است را به گونه‌ای خلق کرد که انسان بتواند در آن به کار بپردازد. بنابراین انسان نمی‌تواند عذری برای رها کردن کار و شغل داشته باشد و بار خویشتن را به دوش دیگران بگذارد.

اسلام، آن کس را که بار خویش بر دوش دیگران می‌گذارد، لعنت کرده و او را و بانی بر اقتصاد اجتماعی و اموال عمومی شمرده که از دسترنج دیگران بهره‌مند می‌شود. همچنین همه را موظف کرده که به کار و پیشه‌ای مشغول شده و در کار خود کوشا، جدی، متعهد، امین و درستکار باشند تا چرخ زندگی بشری از راه تعاون و همکاری بچرخد. به این ترتیب هر کس نه از نتیجه کار و تلاش دیگران که از ثمره کار خویش برخوردار می‌شود و میوه چیده شده با هر دست، به دهان صاحب دست می‌رود.^۲

به همین دلیل در سیره پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، فعالیت‌های اقتصادی افراد، ارزش بالایی دارد؛ به گونه‌ای که آن بزرگوران، کارگران و تولیدکنندگان را بسیار تشویق می‌کردند.

سیره عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) این بود که بار

۱. صحیفه سجادیه، ۳۰.

۲. حکیمی، الحیاة، ج ۵، ص ۴۵۲.

زندگی خود را شخصاً به دوش می‌کشیدند و هیچ‌گاه برای تأمین ضروریات زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی‌کردند. مسئولیت سنگین هدایت معنوی انسان‌ها هم مانع از اشتغال آن‌ها به فعالیت‌های مثبت و سازنده نمی‌شد و از بابت نقش هدایتی خود، هیچ اجر و مزدی از مردم مطالبه نمی‌کردند. در قرآن کریم نیز آیات بسیاری بر اشتغال پیامبران به فعالیت‌های مختلف اقتصادی دلالت دارد و حتی در بسیاری از آیات به نوع فعالیت آن‌ها نیز اشاره شده است.

رویکرد قرآن کریم به این موضوع به نحوی است که به هیچ وجه میان فعالیت انبیاء به عنوان فرستاده خداوند و هدایت‌کننده انسان‌ها با اشتغالات دنیوی آن‌ها تباین و تضادی نمی‌بیند. مشاغلی که انبیاء عهده‌دار آن بودند، از نوع مشاغل معمولی آحاد جامعه و حتی اغلب از مشاغلی بود که قشر متوسط رو به پایین جامعه به آن اشتغال داشتند؛ مشاغلی چون چوپانی، نجاری، آهنگری، زراعت، تجارت و ... از جمله این مشاغل بود. به این ترتیب انبیاء هیچ‌گاه در تأمین نیاز مادی خود و خانواده خود، دست نیاز مقابل دیگران دراز نمی‌کردند.

به استناد بعضی روایات، همه انبیاء در بخشی از زندگی خود به کار چوپانی پرداخته‌اند. البته این موضوع می‌تواند با ساختار حاکم بر مناسبات اقتصادی جوامع سنتی که معمولاً شبانی یا کشاورزی بوده، منطبق باشد.^۱

«ابن جوزی» معتقد است که حضرت آدم (ع) به کشاورزی، حضرت نوح (ع) به نجاری، حضرت ادریس (ع) به خیاطی، حضرت صالح (ع) به تاجری، حضرت ابراهیم (ع) به کشاورزی و حضرت شعیب (ع) و حضرت موسی (ع) به چوپانی، حضرت داوود (ع) به اسلحه‌سازی، حضرت سلیمان (ع) به پادشاهی و پیامبر اکرم (ص) به شبانی اشتغال داشته و حضرت حواء نیز نخ‌ریسی می‌کرده است.^۲

۱. ولوی، فرهنگ کار در اسلام، ص ۱۶۸-۱۶۷.

۲. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم، ج ۲، ص ۱۴۶.